

تثنيه: تثنيه ۴

جلسه سوم؛ دکتر سینتیا پارکر

من دکتر سینتیا پارکر هستم و در مورد کتاب تثنيه ندریس می‌کنم. این جلسه سوم در مورد تثنيه ۴ است.

مقدمه‌ای بر تثنيه ۴ به عنوان یک فصل محوری

خب، در این سخنرانی شما را می‌بینم. ما نگاهی به تثنيه ۴ می‌اندازیم؛ تثنيه ۴ فصل بسیار خاصی است. من واقعاً عاشق این فصل هستم. خوشحالم که یک سخنرانی کامل را به این یک فصل اختصاص می‌دهیم زیرا پر از چیزهای شگفت‌انگیزی است که باید به آنها نگاهی بیندازیم. پر از پژوهش‌هایی از نوع عدن است. ما برخی از آنها را خواهیم شنید. در واقع، می‌توانم بگویم که وقتی به فصل ۴ می‌رسیم، فصل چهارم مانند ضربان قلب، طبل تثنيه است. بنابراین، کلماتی وجود دارد که برای اولین بار می‌شنویم، عباراتی که برای اولین بار در تثنيه، اینجا در فصل ۴ لمس می‌کنیم. اما قرار است پژوهش و طنین آنها را در کل کتاب بشنویم؛ با فصل چهارم به قلب کتاب تثنيه می‌پردازیم.

بنابراین، ما فصل‌هایی را داریم که به تازگی نگاهی به آنها انداختیم، فصل‌های ۱، ۲ و ۳، و آنها این روایت تاریخی، کمی از پیشینه تاریخی را به ما دادند. بنابراین ما کمی وقت صرف بررسی موقعیت خود نه تنها از نظر جغرافیایی، بلکه از نظر تاریخی نیز کردیم و بنابراین همه اینها را در فصل‌های ۱، ۲ و ۳ به دست آوردیم. بنابراین، فصل ۴ قرار است به عنوان یک فصل محوری برای ما عمل کند. بنابراین، ما از روایت‌های تاریخی به سمت قانون حرکت می‌کنیم، که قرار است کمی بعد به آن بپردازیم. تا زمانی که به این نرسیده‌ایم مردم در لبه مرز ایستاده بودند و به سرزمینی که به آنها گفته شده بود خدا به آنها می‌دهد نگاه می‌کردند و ما الزامات نحوه عمل پس از ورود آنها به سرزمین را بررسی خواهیم کرد. فصل ۴ به نوعی ما را به آنجا می‌برد. این بین روایت‌های تاریخی و قانون قرار دارد.

همانطور که گفتیم، این قلب کتاب است و چیزهایی را می‌گوید که قرار است از فصل ۴ به آنها برسیم. ما این ایده را دریافت می‌کنیم که تاریخ، تاریخ و روایت‌هایی که قبلاً گفتیم، بسیار مهم هستند. ایده‌ای که قرار است برای اولین بار آن را انتخاب کنیم، درست همانطور که این سرزمین برای آنها آفریده شده است. این سرزمین خوب است، سرزمینی است که خدا به آنها می‌دهد و می‌گوید می‌توانید در این سرزمین شکوفا شوید، اما ما برای اولین بار متوجه می‌شویم که ممکن است پتانسیل تبعید وجود داشته باشد. بنابراین این برای اولین بار در فصل ۴ ظاهر می‌شود، با این که هرگز فقط تهدید تبعید وجود ندارد. ما متوجه می‌شویم که پتانسیل تبعید وجود

دارد، اما بازگشت نیز ممکن است، و بنابراین این موضوعی است که ما چندین بار در کتاب تثنیه خواهیم شنید، ما برای اولین بار در اینجا به آن پی می‌بریم. در فصل ۴، این ایده که تاریخ مهم است، پتانسیل تبعید وجود دارد، اما همانطور که تبعید ممکن است، بازگشت نیز ممکن است، که در فصل ۴ نشان داده می‌شود.

خواهیم دید که فصل ۴، در انتهای فصل‌های ۲۹ تا ۳۰ تثنیه، جایگاه‌های بسیار خوبی برای کتاب‌ها ایجاد می‌کند. در واقع می‌توانم این را گسترش دهم و بگویم، تا فصل ۳۲. حتی ما هم می‌توانیم این را بگویم، اما قرار است بشنویم. وقتی به فصل‌های ۲۹ و ۳۰ می‌رسیم، آن سخنرانی‌ها می‌گفتند: «آیا این شما را به یاد فصل ۴ نمی‌اندازد؟» بنابراین، یک عبارت‌پردازی وجود دارد، و به نظر می‌رسد که در هر دو طرف به پایان می‌رسد این باعث می‌شود جایگاه‌های بسیار خوبی برای کتاب‌ها در اطراف تمام صحبت‌های پیچیده پیرامون قانون ایجاد شود. همه اینها در تثنیه ۴ است.

در باب گوش دادن (شِما)

بنابراین، ما همچنین متوجه خواهیم شد که تثنیه ۴ با ایده شِما، به معنای «گوش دادن» شروع می‌شود. حال، این مفهوم در زبان عبری، و برای مخاطبان اصلی، فقط گوش دادن به چیزی که به شما گفته می‌شود، نبود وقتی به شما گفته می‌شود شِما «گوش دادن»، در اینجا گوش دادن و انجام دادن است. بخش انجام دادن به بخش گوش دادن گره خورده است. فقط گوش ندهید و با مفاهیم موجود در ایده‌ها بازی فکری نکنید و ببینید که آیا موافق هستید یا مخالف. این نیست که «گوش دادن» باشد، تا بتوانید درک کنید و انجام دهید. ما این فریاد بلند ای اسرائیل گوش دهید» را می‌شنویم. چه اتفاقی می‌افتد؟ ما اکنون به آن خواهیم رسید، و ۴:۳۰ که در فصل ۶ «و سپس در کل بقیه تثنیه تکرار خواهد شد».

بنابراین، ما همچنین این ایده را داریم که موسی در حال ارائه «احکام و احکام» است. این عبارت، این دو چیز با هم یا چیزی شبیه به آن، اغلب در کتاب تثنیه تکرار می‌شود. احکام و احکام، زندگی هستند. بنابراین باز هم، فقط قوانین و فهرستی از قوانین و مقررات نیستند که باید از آنها پیروی کنید. این روش خدا برای کمک به قومش است تا بفهمند چگونه به عنوان مردم در سرزمین خود شکوفا شوند. بنابراین، احکام و احکام همیشه برابر با زندگی هستند.

موسی این را با این جمله ادامه می‌دهد که اگر آنها را انجام دهید، این حکمت است، درست است؟ بنابراین، در شنیدن، گوش دادن و انجام کارهایی است که خدا به شما گفته است. توجه کردن، حکمت شماست و آن حکمت به عظمت تبدیل می‌شود. و در فصل ۴ خواهیم دید که عظمت حتی در چشمان اطرافیان بنی‌اسرائیل نیز دیده خواهد شد. هشدار وجود دارد که با آن همراه است و آن این است که باید از قلب خود محافظت کنید زیرا اگر وارد

شوید، اگر فکر کنید که به جای تاریخ، با تلاش‌های خود کاری انجام می‌دهید، تاریخ هر کاری را که خدا قبل از شما انجام داده است به یاد بیاورید، اگر به خودتان تکیه کنید، آن زمان است که احتمال تبعید اتفاق می‌افتد. بنابراین، باید از قلب خود محافظت کنید تا مراقب باشید که به یاد داشته باشید که در واقع به خدا تکیه می‌کنید.

خب، بیایید با تثنیه باب ۴ شروع کنیم. خب، تثنیه باب ۴، اینجاست که ما شروع به دریافت برخی از این عبارات کلیدی می‌کنیم که در سراسر کتاب تکرار می‌شوند.

موسی می‌گوید: «اکنون ای اسرائیل، به فرایض و احکامی که به شما تعلیم می‌دهم تا آنها را انجام دهید گوش دهید تا زنده بمانید و به سرزمینی که یهوه، خدای پدرانان، به شما می‌دهد، داخل شوید و آن را تصرف کنید. چیزی به کلامی که به شما امر می‌کنم، اضافه نکنید و چیزی از آن کم نکنید تا احکام یهوه، خدای خود را». که به شما امر می‌کنم، رعایت کنید

و بنابراین، ما این آغاز اولیه را دریافت می‌کنیم، و قرار است از قبل شروع به شنیدن ... کنیم -- اگر به قوانین و احکام گوش دهید و از آنها اطاعت کنید، حیات دارید. و نقطه مقابل آن این هشدار است که اگر نافرمانی کنید، برابر با مرگ خواهد بود، و این به شکل به یاد آوردن رویدادی از گذشته آنها ظاهر می‌شود.

به یاد آوردن اعمال عظیم خداوند

در آیه ۳ آمده است: «چشمان شما دیده است که خداوند در مورد بعل فغور چه کرده است، زیرا همه کسانی که از بعل فغور پیروی کردند، خداوند، خدای شما، آنها را از میان شما هلاک کرد.» حال، در واقع به عقب برمی‌گردیم و به یاد می‌آوریم که آن رویدادی که به آن اشاره می‌شود چیست. به گمانم باید برگردید و فصل کتاب اعداد را بخوانید. اعداد ۲۵ به عقب برمی‌گردد و داستان را برای شما تعریف می‌کند. این داستان ۲۵ بنی اسرائیل است که در حال سفر هستند و در نهایت از بعل فغور عبور می‌کنند و با مردم از دواج می‌کنند و فرهنگ‌ها را در هم می‌آمیزند و شروع به پرستش بت‌های گروه‌های دیگر می‌کنند.

موسی می‌گوید به یاد داشته باشید زمانی که شما بت‌ها و خدایان دیگر را می‌پرستیدید، آن افراد امروز اینجا با ما نیستند، اما شما هستید. پس به یاد داشته باشید، زیرا این فرایض و احکام خداست که مساوی با زندگی است.

و آیه ۴، اینجاست که او می‌گوید: «اما شما که به خداوند، خدای خود، چنگ زدید، امروز زنده هستید.» تک تک شما

پژواک‌های پیدایش ۳

آیه ۵: «ببینید، من به شما فرایض و احکامی آموختم، همانطور که خداوند، خدای من، به من امر فرمود، که این را در سرزمینی که برای تصرف آن وارد می‌شوید، انجام دهید.» اکنون می‌خواهم لحظه‌ای مکث کنم زیرا در اینجا شخصاً پژواک‌های بیشتری از روایت‌های پیدایش را می‌شنوم. آنها خیلی واضح نیستند، اما آنچه در این گفتگو می‌بینیم، ای موسی، وقتی وارد آن سرزمین می‌شوی، این شیوه زندگی خدا در آن سرزمین است که به تو اجازه می‌دهد زندگی کنی و شکوفا شوی. اگر وارد آن سرزمین شوی و نافرمانی از خدا را انتخاب کنی، نتیجه‌اش تبعید یا مرگ است.

این کمی شبیه فصل سوم پیدایش به نظر می‌رسد، درست است؟ در پیدایش ۳، خدا باغ را برای انسان‌هایی که در باغ زندگی می‌کردند آماده کرد و دستور داد که بخورند. مراقب باشید هر کاری که می‌خواهید انجام دهید؛ فقط از آن درخت آنجا نخورید.

اطاعت = شکوفایی، نافرمانی = تبعید

اما به محض اینکه آنها تصمیم می‌گیرند برخلاف گفته خدا عمل کنند، یعنی زمانی که از مکانی که برایشان آفریده شده تبعید و جدا می‌شوند، ما آماده شنیدن همان نوع هشدار هستیم که در سراسر کتاب تثنیه استفاده خواهد شد. ایده این است که این سرزمین پتانسیل تبدیل شدن به چیزی شبیه به عدن را دارد. این پتانسیل به این معنی است که پتانسیل تبعید از این مکان کاملاً آفریده شده نیز وجود دارد و همه چیز به نوع اطاعت مردم بستگی دارد. آیا آنها به روشی که خدا به آنها گفته است زندگی کنند وفادار خواهند بود؟ و اگر چنین باشد، شکوفا و زنده خواهند شد و خدا در میان آنها خواهد بود و سرزمین آنها هر آنچه را که نیاز دارند فراهم خواهد کرد. اما اگر این کار را نکنند، آنها را بیرون خواهند کرد. ما حتی در ابتدای فصل ۴ نیز شروع به شنیدن آن پژواک کرده‌ایم.

این در آیه ششم ادامه خواهد یافت؛ اینجا جایی است که باید نقشه یکی از ویدیوهای قبلی را به خاطر بسپارید. بنابراین، اگر به یاد داشته باشید، وقتی در مورد مسیرهای تجاری صحبت کردیم که همه از سرزمین کتاب مقدس عبور می‌کنند، می‌شنویم که تثنیه از قبل کاملاً از محتوای آن، و سرزمین و نحوه عملکرد آن آگاه است. به آیه ۶ گوش دهید،

پس «آنها را حفظ کنید و به جا آورید.» منظور از فرایض و احکام «زیرا این حکمت و فهم شماست در نظر مردمی که همه این فرایض را خواهند شنید و خواهند گفت: «بی‌شک این قوم بزرگ، قومی حکیم و فهمیده هستند، زیرا کدام قوم بزرگ خدایی دارد که تا این حد به او نزدیک باشد، همانطور که خداوند، خدای

ماست، هر زمان که او را بخوانیم؟ زیرا کدام قوم بزرگ فرایض و احکامی به عدالت این شریعتی که امروز «پیش روی شما می‌گذارم، دارد؟»

این تشخیص وجود دارد که اگر مردم به سرزمین خود بروند و طبق روشی که خدا، معیارهایی که خدا برای قوم خود تعیین کرده است، زندگی کنند، دیگران آن را خواهند دید. سپس می‌توانید این سؤال بسیار منطقی را پرسید که چگونه همه این افراد دیگر، آنها را می‌بینند و می‌دانند

خب، آنها در وسط مسیرهای تجاری هستند، درست است؟ بنابراین آن دسته از تاجران که از مصر به بین‌النهرین یا شبه‌جزیره عربستان می‌رفتند، ایده این است که آنها از سرزمین بنی‌اسرائیل عبور می‌کردند. اگر بنی‌اسرائیل طبق عهد خدا و طبق قوانین و فرامین خدا زندگی می‌کنند، پس مردم، همانطور که از آنجا عبور می‌کردند، باید متوجه شوند که تفاوت زنده‌ای در نحوه زندگی مردم وجود دارد.

تکرار را به خاطر بسپار/فراموش نکن

بنابراین، ۴:۹ «فقط به خودت برس و جان خود را با دقت حفظ کن. مبدا آنچه را که چشمانت دیده است فراموش کنی و در تمام روزهای زندگی‌ات از دلت بیرون نرود، بلکه آنها را به پسران و نوه‌هایت بیاموز روزی را که در حضور خداوند، خدای خود، در حوریب، کوه سینا، ایستاده بودی، به یاد آور، جایی که خداوند به من گفت: «قوم را نزد من جمع کن تا سخنان مرا بشنوند تا یاد بگیرند که در تمام روزهایی که بر روی زمین زندگی می‌کنند از من بترسند و به فرزندان خود تعلیم دهند.» از آنجا که تضاد جالبی وجود دارد، در سخنرانی «دیگری با جزئیات بیشتری در مورد آن صحبت خواهیم کرد، اما در این دو آیه، در آیه ۹ داریم: «فراموش نکن. و در آیه ۱۰ داریم: «به یاد داشته باش». اینها مضامین بیشتری هستند که تثنیه بارها و بارها به آنها می‌پردازد اما این چیزی است که باید در مورد آن فکر کنیم یا حداقل به آن توجه کنیم. قرار است اینجا آن را ببینیم. بعداً بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

چه چیزی را نباید فراموش کنند، و چه چیزی را باید به خاطر بسپارند؟ پس، بگذارید دوباره آن آیات را برایتان بخوانم.

آیه نهم، تا اواسط آن، می‌گوید: «پس در تمام ایام عمرت، آنچه را که چشمانت دیده است فراموش نکن و از دلت دور نشو.» آیه ۱۰: «به یاد آور روزی را که در حضور خداوند، خدای خود در حوریب ایستاده بودی، «هنگامی که خداوند به من گفت

،چيست؟ قرار نيست فراموش كنند. قرار است فعالانه تاريخ خود را به ياد بياورند. داستان را بنويسند، حتى اگر روايت والدينشان باشد، حتى اگر آنها در هورب نبودند. اين به ياد آوردن آن روايت است زيرا از طريق آن روايت، آنها مي فهمند كه خدا كيست، خدا چه كرده است، و بنابر اين، آنها به عنوان قوم خدا چه كساني هستند.

جدای از شوخی، در تثنيه، هرگز به آنها گفته نشده كه همه قوانين را به خاطر بسپارند، هر چند كه مجموعه قوانين درست در وسط قرار دارد و بيشتريين فصل هاي تثنيه را به خود اختصاص داده است. هميشه به آنها گفته مي شود كه شخصيت خدا را به همان شكلي كه او قبلاً عمل كرده است، به خاطر بسپارند.

غذا، اين واقعاً جالب است و نکته مي خوبي است كه ما هم بايد به خاطر داشته باشيم. آيه ي ۱۱: «شما نزديك آمديد و در پاي كوه ايستاديد، و كوه تا قلب آسمان ها از آتش مي سوخت، در تاريخي، ابر و تاريخي پيچيده شده بود. آنگاه خداوند از ميان آتش با شما سخن گفت. صدای كلمات را شنديد، اما هيچ شكلي نديديد، فقط يك صدا. پس، او عهد خود را كه به شما دستور داد آن را انجام دهيد، براي شما اعلام كرد. يعني ده فرمان، و آنها را بر روي دو لوح سنگي نوشت. « جالب است. آنها در حال بازگويي داستان در كوه هورب يا كوه سينا بودند، اما انگشت خدا غايب است. حضور خدا در اين تجلی الهی و لرزش طبيعت، تاريخي، تاريخي، رعد و برق رعد و برق نشان داده شده است، درست است؟ اين يك رويداد الهام بخش بسيار چشمگير است، اما هيچ تصويري از خدا وجود ندارد. آتش. بله، اما يك تصوير واقعي. نه.

هشدار عليه بت ها

بنابر اين، ما در دو آيه بعدی بر اين موضوع خواهيم پرداخت. در آيه ۱۴ آمده است: «خداوند در آن زمان به من فرمان داد كه فرييض و احكامی را به شما بياموزم تا آنها را در سرزمینی كه براي تصرف آن به آنجا مي رويد، انجام دهيد.» و اين هم هشدار ديگري است. «پس، مراقب خود باش، زيرا در روزی كه خداوند در حوريب از ميان آتش با تو سخن گفت، هيچ صورتی نديدی. مبادا فاسد شوی و برای خود صورت تراشیده شده ای به شكل هر شكلي بسازی، چه شبیه نر و چه شبیه ماده، چه شبیه هر حيوانی كه بر روي زمين است، چه شبیه هر پرنده بالداري كه در آسمان پرواز مي كند، چه شبیه هر خزنده ای كه بر زمين مي خزد، چه شبیه هر ماهی ای كه در آب های زیر زمين است. و باحذر باش، چشمان خود را به سوی آسمان بلند نكن و خورشيد و ماه و ستارگان و همه لشكر آسمان را نبين و گمراه نشوی و آنها را پرستش نكنی و به آنچه خداوند، خدای تو، برای «همه مردم زیر آسمان تقسيم كرده است، خدمت نكنی»

بايد مكث كنيم چون فكر مي كنم اين واقعاً جالب است. خب، ما مقدمات داستان را داريم. شما در حوريب بوديد، خدا ظاهر شد، شما عهدي بستيد، اما نمی توانستيد تصويري از خدا ببينيد. حالا، از داستان خروج

می‌دانیم که دنباله آن، هارون بود و مردم تصمیم گرفتند یک گوساله طلایی بسازند، درست است؟ اینکه نیاز به یک تصویر برای تمرکز عشق و پرستش آنها، انگیزه بسیار قوی برای انسان‌ها است.

و بنابراین، ما در این گفتمان در فصل ۴ داریم؛ ما این هشدار را داریم، مراقب باشید زیرا داستان حور ابن زیاد را به یاد دارید. اما اکنون، وقتی به سرزمینی می‌روید و باید از قوانین و احکام پیروی کنید، مطمئن شوید که از غریزه‌ی ساختن یک تصویر برای خودتان پیروی نمی‌کنید.

حالا فهرستی از تصاویر وجود دارد، پس بگذارید آن فهرست را بخوانم و بعد شما به من بگویید که آیا این موضوع برای شما جالب است و آیا تا حدودی برای شما آشنا به نظر می‌رسد، به خصوص در برخی از مواردی که قبلاً در مورد اینکه چگونه فکر می‌کنم تنبیه کتاب‌های دیگر را منعکس می‌کند، گفته‌ام. بنابراین ما تشبیه مرد یا زن، حیوانات روی زمین، پرندگان بالدار، موجودات خزنده را داریم، بسته به اینکه چگونه می‌خواهید عبری آن را تفسیر کنید، تشبیه هر ماهی و خورشید، ماه و ستارگان. حالا مکث می‌کنیم زیرا خورشید، ماه و ستارگان؛ مردم واقعاً این موجودات آسمانی را می‌پرستیدند و به خصوص در زمان آشوریان و بابلی‌ها و بعداً در تاریخ اسرائیل. این بسیار رایج بود و ما از ارمیا نبی می‌فهمیم که بنی‌اسرائیل این نوع پرستش را در جامعه پذیرفته بودند و پرستش چیزهای دیگر نیز وجود داشت. اما من می‌گویم، اگرچه بیشتر تفسیرها بر آیه ۱۹ تمرکز دارند، اما فکر می‌کنم کل فهرست واقعاً مهم است. اگر کل آن فهرست را کنار هم بگذارید، شاید شبیه پیدایش ۱ به نظر برسد. چون وقتی شما می‌میرید، او در ۳ روز اول مکان‌هایی را خلق می‌کند و سپس چیزهایی را در آن مکان‌ها قرار می‌دهد، درست است؟ و ترتیب آن دقیقاً برعکس چیزی است که در اینجا در خلقت ذکر شده است، نر و ماده در انتها آفریده شدند، خورشید، ماه و ستارگان در ابتدا و روز چهارم آفریده شدند.

در واقع این لیست به روز ششم، روز ششم، روز پنجم می‌رود، به روز ششم برمی‌گردیم اما آنها پنج و چهار هستند.

این چه چیزی را به ما می‌گوید؟ خب، می‌تواند به این معنی باشد که به محض اینکه تصمیم می‌گیرید که می‌خواهید برای پدر آسمانی خود تصویری خلق کنید و این کار را به این روش انجام می‌دهید، مانند این است که خلقت را وارونه می‌کنید.

بنابراین، چیزی در مورد عقب‌ماندگی و نقص خلقت وجود دارد، جایی که وقتی خدا آفرید، او مردان و زنان را آفرید تا به شباهت او باشند. بنابراین، وقتی مردان و زنان، که به شباهت خدا ساخته شده‌اند، تصمیم می‌گیرند که شباهتی برای خدا خلق کنند، همه چیز را وارونه می‌کند.

آتش سوزی در صحرای سینا

خب، به آیه ۲۰ می‌رسیم؟ و حالا داریم به جورایی به فکری رو اینجا تموم می‌کنیم، اما خداوند شما رو از کوره آهن مصر بیرون آورده تا قومی برای اون مقام باشید. من عاشق اینم چون این بخش رو از آیات ۱۱ و شروع کردیم، جایی که خدا به شکل آتش و در ابرها ظاهر شد، درست برای اینکه تصویری برای او خلق ۱۲ نکنیم. بعد در پایان آیه ۲۸ به این خاطر که خدا شما رو از کوره مصر بیرون کشید. به یاد داشته باشید که خالق کیست، و اگر برای اولین بار به این ایده برسیم که مصر محل بردگی و ظلم است، به مصر برمی‌گردیم، به نقشی که مصر در کتاب تثنیه ایفا می‌کند.

بنابراین، ما آتش سینا را داریم. آتش مصر با خلق چیزی برای تقلید از خدا به آتش سینا واکنش نشان نمی‌دهد، بلکه اجازه می‌دهد خدا خالق و شکل‌دهنده باشد.

بنابراین، ما این بخش، چند آیه را در اینجا داریم که به موسی گفته می‌شود که نمی‌تواند وارد سرزمین شود. در آیه ۲۳، آمده است: «مواظب باشید که عهد خداوند، خدای خود را که با شما بسته است فراموش نکنید و برای خود تمثالی تراشیده به شکل هر چیزی که خداوند، خدای شما، شما را از آن منع کرده است، نسازید، زیرا «خداوند، خدای شما، آتش سوزاننده و خدایی حسود است»

هشدار که فراموشی به تبعید می‌انجامد

و سپس این هشدار طولانی را دریافت می‌کنیم. «مراقب باشید وقتی پدر می‌شوید، وقتی والدین می‌شوید، وقتی فرزند و نوه دارید، فراموش نکنید، درست است؟ و مشکل این است که این پیشگویی تبعید، این واقعیت وجود دارد که «اما وقتی این کار را می‌کنید». بنابراین، امیدی وجود دارد که فراموش نخواهید کرد. اما وقتی فراموش کنید، «در آن یا در سرزمینی که خدا به آنها می‌دهد، مدت زیادی زنده نخواهید ماند، بلکه کاملاً نابود خواهید شد. خداوند شما را در میان مردم پراکنده خواهد کرد، در میان ملت‌هایی که خداوند شما را به آنجا می‌برد، تعداد کمی خواهید داشت. در آنجا خدایانی را که ساخته دست انسان و سنگ هستند، عبادت خواهید کرد که نه می‌بینند، نه می‌شنوند و نه بو می‌کنند.» این چیزی است که اشعیا نبی به آن اشاره می‌کند و همچنین در مورد اینکه پرستش چیزهایی که توسط دست انسان ساخته شده‌اند کاملاً مسخره است، صحبت می‌کند.

اما از آنجا، خداوند، خدای خود را خواهی جست؛ اگر با تمام قلب و جان خود او را جستجو کنی، او را خواهی یافت. هنگامی که در تنگنا هستی و همه این چیزها بر تو واقع شده است، در روزهای آخر، به سوی خداوند، خدای خود، باز خواهی گشت و به صدای او گوش خواهی داد. زیرا خداوند، خدای تو، خدای مهربانی

است. او تو را تنها نخواهد گذاشت، تو را نابود نخواهد کرد و پیمانی را که با پدرانت بسته بود، فراموش نخواهد کرد.» (تثنیه ۲۹:۴)

از روزگاران پیشین که پیش از شما بودند، از روزی که خدا انسان را بر زمین آفرید، برسید و از یک سر آسمان تا سر دیگر آن را جویا شوید. آیا چیزی مانند این کار عظیم انجام شده است، آیا چیزی مانند آن شنیده شده است؟» (تثنیه ۳۲:۴). بنابراین، ما هشدار از آنچه قرار است اتفاق بیفتد، دریافت می‌کنیم. اگر خدایان دیگر را پرستش کنید، عواقبی در انتظار شما خواهد بود. اما حتی اگر در میان ملت‌ها پراکنده باشید، حتی اگر تعدادتان به تعداد کمی کاهش یافته باشد، کسانی که به سوی خدا بازگردند و توبه کنند، بازگشت به سوی او امکان‌پذیر است. این ایده که خالق اصلی، یعنی خدا، همان خدای خالق است که از طرف آنها خواهد جنگید.

در آیه ۳۴ آمده است: «آیا خدایی تا به حال سعی کرده است قومی را از میان قوم دیگری برای خود بگیرد؟» این همان خدایی است که آنها را از کوره ستم مصر بیرون آورد.

و با آزمایش‌ها، با آیات و معجزات، و با جنگ، و با دست قوی، با بازوی دراز، و با وحشت عظیم» چنانکه یهوه خدای شما برای شما کرد. و مصر در برابر چشمان شما؟ به شما نشان داده شد تا بدانید که یهوه خداست، و غیر از او خدای دیگری نیست.» این نیز، جمله دیگری است که اغلب در سراسر تثنیه تکرار می‌شود. خدایی که بنی‌اسرائیل می‌پرستند، خدای واحد است، و خدای دیگری در میان او یا در میان او نیست. خدای دیگری نیست که با او برابر باشد. بنابراین، آیا آنها واقعاً نباید خدایان دیگری را پرستند؟

من می‌خواهم به آیه ۳۹ بروم. در آن آمده است: «پس امروز بدان و به دل خود بسیار که خداوند، خدای آسمان بالا و خدای زمین پایین است. خدای دیگری نیست. پس فرایض او را در احکامش که امروز به تو می‌دهم، نگاه دار تا برای تو و فرزندانت پس از تو نیکو باشد و در سرزمینی که خداوند، خدای تو، برای همیشه به تو می‌دهد، عمر طولانی داشته باشی.» این باید پژوهشی از همان بخش اول، همان آیه اول که در فصل ۴ می‌خوانیم، به نظر برسد.

شهر پناهگاه در ماوراء اردن ۳

حال، آیات پایانی فصل ۴، کاملاً مسیر را عوض می‌کنند. بنابراین، ما از این ایده مفهوم سرزمین نزدیک به مکان حرکت می‌کنیم، اما فراموش نمی‌کنیم، بلکه به یاد می‌آوریم که خدای آنها برای موسی کیست، اکنون، سه شهر پناهگاه برپا می‌کنیم. همه آنها در ضلع شرقی دره ریفت، یعنی در سمت خارج از سرزمین خواهند بود. بنابراین، منطقه‌ای که آنها قبلاً در آن بودند، یعنی مناطقی که سیحون را فتح کرده بودند، به پایان رسید و قرار بود در آن مناطق، سه شهر پناهگاه برپا کنند.

حال، مفهوم شهر پناهگاه چیزی است که دوباره مطرح خواهد شد و ما پس از ورود به مجموعه قوانین در مورد آن بحث خواهیم کرد. اما می‌خواهم در فصل ۴ به آن سه شهر پناهگاه اشاره کنم.

، آنها به مکان‌های بسیار خاصی نامگذاری شده‌اند. در واقع، اگر به چند سخنرانی اخیر فکر کنیم متوجه می‌شویم که جزئیات جغرافیایی زیادی، مناطق، مسیرها، گروه‌های مردمی، نام شهرها و بسیاری از موارد بسیار خاص که تفاوت‌های زمین و تفاوت‌های مردمی که در آن زمین زندگی می‌کنند را مشخص می‌کنند وجود داشته است.

مرور کلی آینده‌نگر

چیزی که می‌خواهم هنگام ورود به تثنیه به آن توجه کنید این است که به محض اینکه چشم‌انداز خود را به این سرزمین، به این مکانی که در آن می‌رویم، معطوف می‌کنیم، این مکان پتانسیل‌های زیادی دارد. جزئیات جغرافیایی که مردم را از هم جدا و از هم جدا می‌کند، دیگر ذکر نشده است. این یک سرزمین واحد در نظر گرفته می‌شود؛ نام شهرها را نمی‌بینیم، نام‌های قبیله‌ای را نمی‌بینیم. در واقع، این ایده که حتی قبایلی با رهبران قبایل وجود دارند نیز ذکر نشده است؛ ما شروع به حرکت به سمت شهرها، شهرهای بزرگتر، روستاهای کوچکتر می‌کنیم، چگونه مردم را متحد می‌کنیم؟ اما وقتی وارد سرزمین می‌شویم، دیگر نمی‌شنویم که تثنیه به طور خاص به این موارد اشاره کند. بنابراین، کمی بعد در مورد این موضوع صحبت خواهیم کرد، به خصوص وقتی به فصل ۱۱ می‌رسیم زیرا فصل ۱۱ این فرصت عالی را دارد که از یک شهر بسیار مهم نام ببرد، و همینطور هم هست.

زمان را تعیین کنید، اما تثنیه چه می‌کند؟ همانطور که در حال ایجاد یک مکان است، تصویری از نوع مکانی که بنی‌اسرائیل می‌توانستند در آن باشند.

خلاصه تثنیه ۴

بنابراین، به طور خلاصه، ما در فصل ۴ به ایده کوه سینا نگاه می‌کنیم. ما این مقایسه کوچک را بین کوه سینا و یک باغ بالقوه یا حداقل با الهام از تصاویر باغ انجام داده‌ایم. ایده این است که شما در واقع به تصویر خدا آفریده شده‌اید. و بنابراین، وارونه کردن این موضوع به معنای مرگ یا رد روشی است که خدا برای چیزها تعیین کرده است، و خود خدا را نمی‌توان به بخشی از خلقتش تقلیل داد. بنابراین این چیزی است که روایت کتاب مقدس بسیار بر آن تأکید دارد: خدا همیشه بیرون از خلقت بزرگتر از آن ایستاده است و نمی‌تواند در یک تصویر کوچک یا یک بت محصور شود زیرا او بسیار بزرگتر و گسترده‌تر از آن است.

از اینجا به بعد به فصل پنجم می‌رویم و با قوانین آشنا می‌شویم.

من دکتر سینتیا پارکر هستم و در مورد کتاب تثنیه تدریس می‌کنم. این جلسه سوم در مورد تثنیه ۴ است.